

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۱)، پاییز ۱۴۰۱

شاپای چاپی ۲۳۲۲-۲۱۳۱ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

مقاله پژوهشی

صفحات ۴۰-۱۹

نقش کسب و کارهای خانگی بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی با تأکید بر نقش دولت در استان ایلام

فاطمه مظفری؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

عبدالحمید نظری؛ دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

شاه‌بختی رستمی؛ دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

مصطفی شاهینی‌فر؛ استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

چکیده

ارزیابی طرح "ساماندهی مشاغل خانگی" که در قالب برنامه‌های توسعه از سال ۱۳۸۹ در ایران در حال اجراست، اهمیت خاصی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اقتصادی کسب و کارهای خانگی بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی استان ایلام انجام گرفت. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی - نظری و از حیث روش انجام توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد. جامعه آماری شامل ۱۴۷۶ خانوار دریافت‌کننده وام در مشاغل خانگی "ساکن در ۲۸۷ روستای استان ایلام" می‌باشد. نظر به تعدد و پراکندگی روستاها انتخاب آنها به دو روش نمونه‌گیری انجام گرفت. ابتدا تعداد روستاها با استفاده از "نمونه‌گیری خوشه‌ای" (با ملاحظه همگنی چهار عامل: ارتفاع، فاصله از مرکز شهرستان، تعداد خانوار و وام‌گیرندگان) به ۵۶ روستا کاهش یافت. سپس تعداد خانوارهای نمونه طبق فرمول کوکران ۲۰۰ واحد برآورد و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق-ساخته است که پس از تایید روایی و پایایی تکمیل شدند. نتایج نشان داد: ایجاد کسب و کارهای خانگی از جنبه اقتصادی در زمینه شاخص‌های اشتغال‌زایی، بویژه افزایش مشاغل زنان اثرات مثبتی داشته است که بیانگر همسویی آن با موازین راهبرد معیشت پایدار می‌باشد. اما با اینکه از نظر افزایش درآمد نسبتاً موفق بوده، لیکن از منظر توانمندسازی و بویژه فقرزدایی از اقشار پایین جامعه موفق نبوده است. در مجموع ارزیابی اثربخشی ایجاد کسب و کارهای خانگی توسط جامعه هدف بر پایداری معیشت خانوارها نشان داد که اشتغال-زایی و تنوع‌بخشی فعالیت‌ها، درآمدزایی و توانمندسازی و فقرزدایی به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، کسب و کار خانگی، کارآفرینی، معیشت پایدار، استان ایلام.

* Ah.nazari.204@pnu.ac.ir

(۱) مقدمه

دولت‌ها در هنگام تنظیم برنامه‌های توسعه خود برای مقابله با معضل بیکاری، فقر و... در جامعه روستایی معمولاً سیاست‌ها و طرح‌های متنوعی را اتخاذ می‌نمایند. از جمله مهمترین آنها در کشور ما می‌توان به سیاست‌های تأمین و تخصیص اعتبارات خرد، اشتغال‌زایی و ایجاد بنگاه‌های زود بازده و کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای خانگی اشاره کرد که طی دهه‌های اخیر (از برنامه سوم توسعه تا ششم) اجرا شده‌اند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۲۹۸-۲۹۳)، (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵: ۲۰۲-۱۹۶)، (معاونت نظارت و راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۹: ۱۹۲-۱۸۲) و (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۶: ۵۶-۵۰). یکی از طرح‌های مهمی که دولت از اواخر سال ۱۳۸۹ به منظور حل معضل بیکاری به اجرا گذاشت، طرحی موسوم به "طرح ساماندهی مشاغل خانگی" است که در چارچوب سیاست کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای خانگی و با اختصاص وام و تسهیلات به متقاضیان، زیر نظر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سراسر کشور انجام می‌گیرد (سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۸۹). "کسب و کار خانگی" نوعی فعالیت اقتصادی است که اعضاء یک خانوار در محل فضای مسکونی خود، بدون ایجاد مزاحمت و اخلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار انجام می‌دهند (وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، ۱۳۸۹: ۳). اگرچه دولت‌ها هزینه‌های زیادی را به منظور ایجاد مشاغل خانگی متقبل می‌شوند، اما نباید فراموش کرد که از منظر توسعه پایدار کارآفرینی روستایی تنها به معنای ایجاد اشتغال نیست، بلکه راهکاری برای کاهش فقر، بهبود کیفیت زندگی، کاهش مهاجرت و توسعه روستایی است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰ به نقل از Kader et al, 2007: 149). بنابراین، ایجاد مشاغل خانگی بدون توجه به کارآفرینی نه تنها باعث از بین رفتن و اتلاف منابع بلکه بعضاً حتی به ناپایداری فعالیت این کسب و کارها نیز منجر می‌شود (ابراهیمی سالاری و سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۲). اگرچه کسب و کارهای خانگی اغلب جزء بخش پنهان و غیررسمی اقتصاد به حساب می‌آیند، اما نقش قابل توجهی در تولید ثروت و رشد اقتصادی یک جامعه دارند که ضمن تقویت خود اشتغالی، رفع کاستی‌ها و تأمین نیازهای محلی فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند که یک راه را برای توسعه پایدار اقتصادی هموار می‌کند (Horgan, 2001: 117). از این روی بررسی ابعاد مختلف موضوع کسب و کارهای خانگی از منظر کارآفرینی که زمینه ایجاد اشتغال، کنترل بیکاری، افزایش درآمد، بهبود کیفیت زندگی و ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی و توانمندسازی آنها را فراهم می‌کنند، بسیار مهم و ضروری است (Gibson & Olive, 2009: 8).

یکی از مناطقی که استقبال قابل توجهی از طرح ساماندهی مشاغل خانگی شده است، استان ایلام می‌باشد. زیرا این استان به خاطر انزوای جغرافیایی، کوهستانی بودن، دوری از مراکز صنعتی و خدماتی، عدم تطابق مکانی منابع آب و خاک، کمبود تأسیسات مهار و انتقال آب، غلبه واحدهای بهره‌برداری خرد زراعی، پایین بودن سطح مکانیزاسیون، ضعف شدید مالی بخش خصوصی و به طور کلی ساختار سنتی و معیشتی تولید، سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال آن سیر نزولی دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، برنامه آمایش سرزمین استان ایلام، ۱۳۹۷: ۹۳). در این میان تمرکز ۳۷ درصد شاغلان

تحصیل کرده استان در شهرستان ایلام (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۵: ۵۹) و نیز کاهش سهم جمعیت روستایی این استان در سال ۱۳۹۵ به کمترین میزان خود (۳۷/۸ درصد) در کل دوره‌های سرشماری رسیده است، نشان از مهاجرفرستی آن دارد و مبین ضعف در بنیان‌های اقتصادی جامعه روستایی است. در چنین شرایطی همزمان با اجرای قانون " طرح ساماندهی مشاغل خانگی " که در آبان ۱۳۸۹ در سطح ملی تصویب شد، در استان ایلام نیز مورد استقبال روستاییان بیکار، کم درآمد یا فاقد درآمد قرار گرفته است. به گونه‌ای که طبق آمار مآخوذه از دستگاه‌های اجرایی این استان، تعداد ۱۴۷۶ نفر از روستاییان طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ با دریافت تسهیلات کم بهره (۴ درصد) از محل طرح مذکور مشاغل مختلفی را ایجاد کرده‌اند. بنابراین، با توجه به اینکه طرح ساماندهی مشاغل خانگی اهداف گوناگونی را مدنظر داشته است، ضرورت دارد همه ابعاد آن بررسی و ارزیابی شود، منتها به سبب محدودیت صفحات مجلات، امکان بررسی همه آنها به صورت یکپارچه در قالب یک مقاله میسر نمی‌باشد. از اینرو در مقاله حاضر موضوع را صرفاً از "بعد اقتصادی" مورد واکاوی قرار داده شد که هدف آن "تبیین نقش ابعاد اقتصادی کسب و کارهای خانگی در معیشت پایدار خانوارهای روستایی" می‌باشد. البته نظر به گستردگی دامنه مباحث اقتصادی در اینجا به سه مؤلفه مهم مستتر در سؤال زیر از منظر توسعه پایدار اشاره گردید. بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که: ایجاد و توسعه کسب و کارهای خانگی از نظر اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی، افزایش درآمد و توانمندسازی و کاهش فقر تا چه حد در بهبود معیشت پایدار خانوارهای روستایی تاثیر داشته است؟

۲) مبانی نظری

نظر به درهم تنیدگی کسب و کارهای خانگی با معیشت خانوارها، شالوده نظری تحقیق حاضر بر راهبرد " معیشت پایدار " پایه‌ریزی شده است. معیشت پایدار نه به عنوان یک " نظریه "، بلکه به مثابه راهبردی است که در محافل علمی و اجرایی برنامه‌های توسعه در چارچوب " نظریه توسعه پایدار " مورد بحث قرار می‌گیرد. این راهبرد برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ در کنفرانس سالانه مشاوران طبیعی (NRCA) که زیر نظر سازمان بین‌المللی توسعه (DFID) برگزار شد، مطرح گردید (CHF, 2005: 11). بر مبنای این راهبرد، معیشت به طور گسترده در برگیرنده همه اجزاء و عناصر مختلفی است که مردم از آنها استفاده می‌کنند و در تولید و خلق ابزارها و وسایل گذران زندگی خویش و خانواده از آنها تأثیر می‌پذیرند (DFID, 1997: 18). فارینگتن معتقد است که معیشت پایدار روی سه اصل: تمرکز بر مردم، نگرش کل‌گرایانه در تحلیل و سیاست‌گذاری و پیوندهای خرد- کلان تأکید دارد (farrington et all, 1999: 67). حال و میجی با تأیید نظرات فارینگتن معتقدند که اولاً، سیاست‌گذاری و تحلیل اجتماعی بیش از هر موضوع با رفاه مردم به عنوان هدف اصلی برنامه‌ریزی شده، سروکار دارند، ثانیاً، این مسأله به مثابه تلاشی چند نهادی دیده می‌شود که از طریق دولت، جامعه مدنی (NGO ها، بخش خصوصی و توده مردم) و یا سازمان‌های بین‌المللی پیگیری می‌شود. ثالثاً، اقدامات مورد نظر را می‌توان به شکل یکی از مداخلات مرتبط با رفاه اجتماعی و یا به صورت ترکیبی از آنها و یا از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده تر

اجتماعی و اقتصادی که برای حمایت از معاش مردم و تقویت آن طراحی شده‌اند، به انجام رساند (هال و میجی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۶). بدین‌سان از دیدگاه دی. هاس ظهور مفهوم معیشتی به معنی تغییر از دیدگاه‌های قیاسی و ساختاری- تاریخی به سوی رویکرد تجربی است. مردم عموماً در عملکردهای رایج اقتصادی، سیاسی و محیطی در وضعیت نامطمئن و سختی بوده و معیشت‌شان را نه به صورت فردی، بلکه در داخل بافت اجتماعی وسیع‌تری مثل خانوار و اجتماع روستایی و گروه‌های نژادی سازمان می‌دهند (De Haas.Hein, 2007: 7). در این راستا، دی هایس و کریستن معتقدند که تنوع و گوناگونی منابع درآمدی به دلیل تأثیری که در بهبود وضع معیشتی خانوار دارد، عامل کلیدی در پایدارسازی معیشت است (دی هایس و کریستن، ۲۰۰۳: ۴). بعلاوه طبق نظر فارینگتن، چمبرز و کانوی معیشت هنگامی پایدار خواهد بود که بتواند با فشارها و شوک‌ها سازگار شده و بهبود یافته، قابلیت‌ها، دارایی‌ها و منابع طبیعی خود را تقویت یا حفظ کند و فرصت‌های معیشت پایدار را برای نسل‌های آینده نیز فراهم آورد (فارینگتن و همکاران، ۱۹۹۹: ۴۲ و چمبرز و کانوی، ۱۹۹۲: ۲۹۶). بنابراین، یک سیستم پایدار شامل عناصر مهمی هستند که به زعم اسکوتز و آلیس شامل سرمایه‌های پنجگانه (انسانی، طبیعی، مالی، اجتماعی، فیزیکی) است (اسکوتز، ۱۹۹۸: ۷۲ و آلیس ۲۰۰۰: ۳۰۲-۲۸۹). بنابراین معیشت پایدار با دامنه وسیعی از فعالیت‌ها مرتبط است که می‌تواند شامل درآمد بیشتر، افزایش رفاه نسبی، کاهش آسیب پذیری، کاهش نابرابری و فقر، بهبود امنیت غذایی، پایداری محیط‌زیست با استفاده پایدار از منابع طبیعی باشد که باعث بهبود ارزش و منزلت انسانی می‌شود (Serrat, 2008: 18). بنابراین راهبرد معیشت پایدار نیز به عنوان زیر مجموعه نظریه توسعه پایدار دارای ابعاد چهارگانه: محیطی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی است که در این مقاله صرفاً بعد اقتصادی آن مد نظر می‌باشد. نکته در خور توجه همانگونه که در بالا بیان شد، اصل اول راهبرد معیشت پایدار بر "تمرکز روی مردم" تاکید دارد و نیل به توسعه پایدار به لحاظ انگیزشی حرکتی درونزا و از پایین به بالا محسوب می‌گردد. اما با توجه ساختار کلی نظام تشکیلات و برنامه‌ریزی کشورمان که "دولت" در انجام هر طرحی (و از جمله طرح ساماندهی مشاغل خانگی) نقش محوری را به عهده داشته و از نظر راهبرد معیشت پایدار به عنوان عامل مداخله‌گر بیرونی با جهت‌گیری بالا- پایین تلقی می‌گردد، این پارادوکس چگونه قابل توجیه خواهد بود. بر این اساس با در نظر گرفتن هدف، سؤال و مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق چارچوب مدل مفهومی- نظری آن مطابق (شکل ۱) طراحی گردید.

ردیابی پیشینه موضوع حاکی از انجام پژوهش‌های متعددی است. چیلیمو (۲۰۱۱) و گالوای و کاپاسی (۲۰۱۴)، در پژوهش‌های مشابهی که به ترتیب در نواحی روستایی کامبریا در شمال غرب انگلستان و اسکاتلند انجام داده‌اند، نتیجه می‌گیرند که کوچک بودن بازارهای محلی و دسترسی نداشتن به بازارهای مناسب برای فروش محصولات، فراهم نبودن منابع مالی کافی برای راه‌اندازی، نبود شبکه- سازی، عدم حضور تعاونی‌ها و تشکل‌های حمایت‌کننده از کسب و کارهای خانگی، از مهمترین موانع فراروی کسب و کارهای خانگی بشمار می‌روند. برگفلد (۲۰۱۷) و راتن و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهش- هایی با محوریت بین‌المللی کردن کسب و کارهای زودگذر از وضعیت‌های فعلی و استفاده از فرصت‌های

آینده نشان دادند که در دیگر نقاط جهان فرصت‌های جالبی وجود دارد تا بنگاه‌های خانوادگی آلمانی با استفاده از شرکای محلی با فرهنگ خاص خود ممکن است، روند کار را تسهیل کنند. آنها با تأکید بر اهمیت رویکرد کارآفرینی برای بین‌المللی کردن مشاغل خانوادگی توصیه کرده‌اند که مشاغل خانوادگی باید مبتکرانه‌تر عمل کرده و از ریسک‌پذیری خود استفاده کنند. زینتی فخرآباد و بکها (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی ظرفیت‌های توسعه کسب و کار خانگی در فرایند توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان کرج نشان داده‌اند که با توسعه کسب و کارهای خانگی می‌توان شاهد ایجاد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوانی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی بود تا منجر به توانمندسازی زنان شود. امیدی و چهارسوقی (۱۳۹۷)، در پژوهشی که همبستگی رابطه بین نقش کسب و کارهای کوچک خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران نتیجه می‌گیرند که بین کارکردهای آزادی و استقلال عمل بیشتر کسب و کارهای خانگی، پایین بودن هزینه راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی، تناسب کسب و کارهای خانگی با اقشارمختلف و عدم نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. قربانی پیرعلیدهی (۱۴۰۰)، در پژوهشی که به بررسی موانع توسعه کسب و کارهای خانگی زنان در مناطق روستایی در شهرستان رضوانشهر استان گیلان پرداخته‌اند، نتیجه می‌گیرند که مهمترین موانع در منطقه مورد مطالعه شامل موانع فردی شخصیتی، موانع اقتصادی مالی، موانع فرهنگی- اجتماعی، خانوادگی و موانع نهادی قانونی، موانع توسعه کسب و کارهای خانگی زنان روستایی می‌باشند.

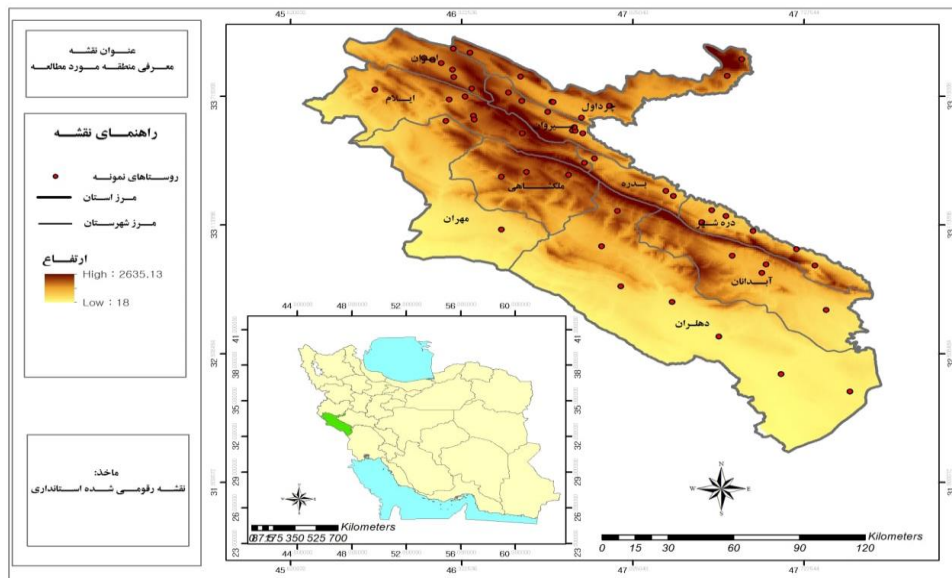


شکل ۱. مدل مفهومی و نظری

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث نوع هدف نظری - کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش انجام توصیفی - تحلیلی بوده و جمع‌آوری داده و اطلاعات آن به دو شیوه کتابخانه‌ای - پیمایشی صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل خانوارهای روستایی دریافت‌کننده تسهیلات (وام دولتی) در مشاغل خانگی است که تعداد آنها در استان ایلام طی ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ برابر ۱۴۷۶ خانوار می‌باشد. نظر به تعدد و پراکندگی زیاد این خانوارها در ۲۸۷ روستا و ۱۰ شهرستان استان و با توجه به این که واحد تحلیل پژوهش حاضر "خانوار" می‌باشد، در گام اول، برای انتخاب روستاهای نمونه به روش خوشه‌ای (متناسب با همگنی درون گروهی و بر اساس ۴ عامل: فاصله، ارتفاع، تعداد خانوار و وام‌گیرنده) تعداد ۵۶ روستا انتخاب گردید. در گام دوم، با استفاده از فرمول کوکران ابتدا حجم خانوارهای نمونه ۲۰۰ واحد برآورد شد و سپس متناسب با تعداد وام‌گیرندگان سهم هر روستا تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که توسط سرپرستان خانوارهای نمونه تکمیل شد و علاوه بر آن از شیوه مصاحبه نیز استفاده شد. برای تست پایائی سؤالات پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ ترکیبی در محیط SPSS24 استفاده شد که مقدار آن برای کل سؤالات پرسشنامه ۰/۹۳۶ و سؤالات مربوط به شاخص‌های اشتغال ۰/۹۱۵، درآمد و توانمندسازی ۰/۸۷۳ و فقرزدایی ۰/۹۳۸ بدست آمد. همچنین برای ارزیابی فرضیه پس از اطمینان میزان نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، از آزمون‌های "تی تست تک نمونه‌ای" و "تحلیل عاملی تاییدی" که به روش SEM-AMOS و با به کارگیری روش MLE یا ماکزیمم درست‌نمایی در نرم‌افزار AMOS24 انجام می‌گیرد، استفاده گردید.

استان ایلام با ۲۰۱۰۶ کیلومتر مربع وسعت که حدود ۱/۲ درصد مساحت کل کشور را شامل می‌شود، در غرب رشته کوه‌های زاگرس بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است (درخشنده، ۱۳۹۰: ۱۰۱). این استان از سمت غرب دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق بوده و از شرق با استان لرستان، از شمال با استان کرمانشاه و از جنوب به استان خوزستان محدود شده است. براساس آخرین تقسیمات کشوری استان ایلام دارای ۱۰ شهرستان، ۲۶ بخش، ۲۵ شهر، ۴۹ دهستان و ۶۷۶ آبادی دارای سکنه است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان ایلام، ۱۳۹۵: ۱) (شکل ۲). همانگونه که در مقدمه آمد، با توجه به شرایط محیطی (غلبه ناهمواری و محدودیت خاک) و پیشینه شیوه زیستی جامعه ایلی، بطور کلی شالوده ساختار اقتصاد روستایی این استان بر کشاورزی و دامداری استوار می‌باشد.



شکل ۲. نقشه پراکندگی روستاهای نمونه

۴ یافته‌های تحقیق

با توجه به مسائل مطروحه، مفروضات، اهداف و اتکای شالوده نظری پژوهش حاضر بر رویکرد معیشت پایدار، یافته‌های میدانی حاصله از ۲۰۰ خانوار نمونه تحت عناوین زیر سازمان‌دهی گردید:

شناسایی و بررسی ابعاد کمی عوامل اقتصادی مؤثر بر پایداری معیشت خانوارها

با توجه به اینکه ماهیت داده‌های این قسمت، مقادیر کمی است و اینکه از منظر نظریه توسعه پایدار، سنجش اثر بخشی ایجاد کسب و کارهای خانگی بر پایداری معیشت پایدار خانوارها در وهله اول مستلزم شناسایی و بررسی عوامل و شاخص‌هایی است که لاجرم در راستای اهداف تحقیق باشد. لذا یافته‌های میدانی حاصله از ۲۰۰ خانوار نمونه ذیلا تشریح می‌گردد:

اشتغال‌زایی و تنوع بخشی فعالیت‌ها: بررسی متغیرهای کمی و شاخص‌های مهمی مانند نرخ‌های مشارکت اقتصادی، فعالیت، اشتغال، بیکاری، سرانه سرباری و تنوع مشاغل نشان داد که اولاً، از مجموع ۷۹۱ نفر ساکن در خانوارها تعداد ۶۴۸ نفر در سن فعالیت قرار دارند. از این تعداد ۳۱۴ نفر جمعیت فعال و ۳۳۴ نفر غیر فعال می‌باشند. بدین ترتیب "نرخ مشارکت اقتصادی" جمعیت بالای ۱۰ سال خانوارهای مذکور برابر ۴۸/۵ درصد، شاخص نرخ فعالیت ۳۹/۷ درصد، نرخ اشتغال ۷۶/۷ درصد، نرخ بیکاری ۲۳/۲ درصد و سرانه سرباری خانوار بطور متوسط ۳/۳ نفر می‌باشد. گرچه علیرغم اجرای طرح ساماندهی مشاغل خانگی بالا بودن نرخ بیکاری و سرباری خانوارها دال بر ضعف وضعیت اقتصادی آنها است، اما نکته درخور توجه اینکه از مجموع ۲۴۱ نفر شاغل در جامعه نمونه ۴۴ درصد آن‌ها در مشاغل جدید ناشی از ایجاد کسب و کار خانگی مشغول شده و بعلاوه اینکه ۷۱/۱ درصد شاغلین جدید به زنان جامعه تعلق دارد، بیانگر موفقیت مجریان طرح مورد مطالعه از حیث اشتغال‌زایی به ویژه بکارگیری زنان

می‌باشد. ثانیاً، از نظرگونه‌شناسی فعالیت این بررسی نشان داد که بطورکلی قریب به نیمی از اعضای خانوار نمونه (۴۸/۹ درصد) در بخش کشاورزی مشغولند که ۲۵/۷ درصد آن سهم زراعت و باغداری و ۲۳/۲ درصد سهم دام و طیور می‌باشد. در حالیکه شاغلین بخش صنعت و ساختمان جمعاً ۳۰/۳ درصد است که ۲۱/۶ درصد آن به صنایع دستی و ۸/۷ درصد کارگری ساختمانی مربوط می‌باشد. سهم بخش خدمات نیز ۲۰/۸ درصد است که عموماً در امور اداری و تجاری فعالند. اما مقایسه انواع فعالیت واحدهای راه‌اندازی شده از محل طرح ساماندهی مشاغل خانگی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با شاخص‌های کلی فوق دارد. زیرا ۵۹/۵ درصد آنها به بخش صنعت و ۳۷ درصد به بخش کشاورزی مربوط بوده و سهم بخش خدمات تنها ۳/۵ درصد می‌باشد. بنابراین، می‌توان در مجموع عملکرد طرح مذکور را هم از منظر اشتغال-زایی و هم تنوع‌بخشی به فعالیت‌های خانوارهای مورد مطالعه موفق ارزیابی نمود. زیرا این تغییرات با سیاست‌های راهبرد معیشت پایدارهماهنگ می‌باشد.

منابع، درآمد و توانمندسازی: شناسایی منابع، دارایی‌ها و سرمایه مالی خانوارهای روستایی از حیث سنجش درآمد و توانمندسازی اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد. بررسی شاخص سهم برخورداری خانوارهای نمونه از منابع مختلف نشان داد که ۶۱/۵ درصد آنها دارای زمین زراعی آبی، ۷۰ درصد زمین زراعی دیم، ۸/۵ درصد زمین باغی، ۶۶/۵ درصد دام کوچک، ۶۴ درصد دام بزرگ، ۳۶/۶ درصد انواع طیور و ۶/۵ درصد دارای کندوی زنبورعسل هستند. همچنین شاخص میانگین منابع هر خانوارها (به ترتیب در اراضی آبی ۷/۱ هکتار، اراضی دیم ۶/۵ هکتار، باغات ۵/۶ هکتار، دام کوچک ۸۰/۵ راس، دام بزرگ ۴/۴ راس، انواع طیور خانگی ۲۰/۱ قطعه و تعداد کندو ۲۷/۵ جعبه) می‌باشد. اگرچه مقایسه شاخص‌های سهم و میانگین منابع مذکور بیانگر وضعیت نسبتاً مناسب توزیع آنها در میان خانوارهای نمونه می‌باشد، اما اینکه حدود ۳۵ درصد خانوارهای نمونه فاقد منابع ارضی و دامی هستند، دال برضعف بنیان‌های اقتصادی و عدم مطلوبیت معیشت این گروه می‌باشد. زیرا برخلاف راهبرد معیشت پایدار که فقرای روستایی را به عنوان جامعه هدف در نظر می‌گیرد قانون طرح ساماندهی مشاغل خانگی همه جامعه روستایی را فارغ از تفاوت توان‌های اقتصادی‌شان تحت پوشش قرار داده است. لذا خانوارهای متمول‌تر که به سبب اندوخته‌های مالی بیشتر توان باز پرداخت به موقع تسهیلات دریافتی را دارند، استقبال بیشتری از آن کرده‌اند. علاوه بر توزیع منابع، بررسی شاخص درآمد ناخالص ماهانه خانوار در سال ۱۳۹۹ نشان داد که میانگین آن در بین زمین‌داران ۹۲ میلیون، دامداران ۹۶/۲ میلیون، کارمندان ۴۹ میلیون، مغازه‌داران ۳۰/۸ میلیون و کارگران ۱۷/۶ میلیون ریال می‌باشد. نکته درخور توجه اینکه دامنه نوسانات شاخص مذکور برابر ۷۸/۶ میلیون ریال است که مبین توزیع نامتوازن درآمد و شکاف بین اقشار مختلف می‌باشد. در چنین شرایطی با توجه به بالا بودن هزینه خانوارها، بخش عمده جامعه مورد مطالعه قادر به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نخواهند بود. سوای از دو شاخص فوق‌الذکر، مقایسه میزان سرمایه‌گذاری (آورده شخصی و وام دریافتی) جهت راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی نشان داد که قریب به نیمی از جامعه نمونه فاقد آورده شخصی بوده، بعلاوه بالغ بر ۸۷ درصد دریافت‌کنندگان تسهیلات نیز مبالغی کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال دریافت

کرده‌اند (جدول ۱). این نتایج نشان داد که بخش عمده جامعه مورد مطالعه علیرغم درجه وابستگی زیاد آنها به حمایت‌های دولتی نتوانسته‌اند به نحوی شایسته از مزایای طرح مذکور بهره‌مند شوند.

جدول ۱. طبقه‌بندی میزان سرمایه‌گذاری به تفکیک تسهیلات دریافتی و آورده شخصی

ردیف	طبقه‌بندی تسهیلات دریافتی		خانوار بهره‌بردار		طبقه‌بندی آورده شخصی	
	میلیون ریال		تعداد	درصد	میلیون ریال	
۱	۵۰ تا ۹۹ میلیون		۹۳	۴۶/۵	بدون آورده شخصی	
۲	۱۰۰ تا ۱۴۹		۶۴	۳۲	کمتر از ۵	
۳	۱۵۰ تا ۱۹۹		۱۷	۸/۵	۱۰ تا ۵	
۴	۲۰۰ و بالاتر		۲۶	۱۳	بیش از ۱۰	
۵	جمع		۲۰۰	۱۰۰	جمع	

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

فقرزدایی: شاید بتوان گفت که زدودن فقر هدف غایی همه طرح‌هایی است که مبتنی بر توسعه پایدار هستند. با مقایسه شاخص‌های مطرح‌شده در بحث قبلی، ممکن است تصور جامعه مورد مطالعه در کل از حیث دستیابی به منابع متنوع و دارایی‌ها وضعیت نسبتاً خوبی داشته باشند، اما نباید غافل بود که توزیع آنها در میان طبقات مختلف خانوارها متوازن و مناسب نمی‌باشد. زیرا شاخص‌های توزیع درآمد و سهم آورده شخصی و غلبه وام‌های دریافتی کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال خانوار دال بر این مدعاست. بنابراین، با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۹ شاخص خط فقر مطلق در یک خانوار چهار نفره برابر ۱۲/۵۴ میلیون (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). و شاخص فقر نسبی ۱۰۰ میلیون ریال قید شده است در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که جامعه کارگری روستایی زیر خط فقر مطلق و سایر اقشار همگی زیر خط فقر نسبی قرار دارند. بدین ترتیب، مشخص می‌شود که طرح مورد مطالعه از حیث شاخص‌های فقرزدایی پایدار فاقد اثربخشی لازم بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی بوده است.

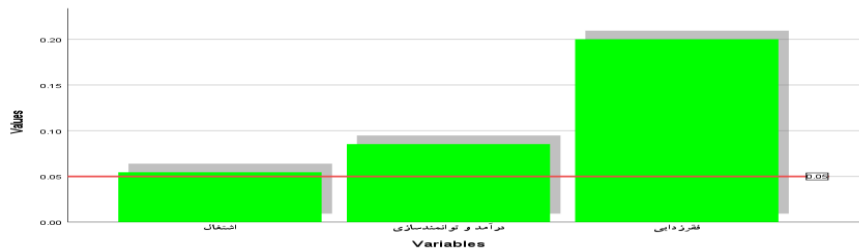
تحلیل اثربخشی کسب و کارهای خانگی در معیشت پایدار خانوارها

علاوه بر شاخص‌های فوق که با تکیه بر متغیرهای کمی سنجیده شده‌اند، به منظور بررسی میزان اثربخشی طرح مورد مطالعه بر معیشت خانوارها از متغیرهای کیفی نیز بهره گرفته شد که در غالب ۲۵ گویه (بر مبنای طیف لیکرت) از جامعه نمونه پرسیده شد. گویه‌های مذکور با توجه به مبانی نظری و سؤال تحقیق در قالب سه مؤلفه اشتغال‌زایی و تنوع فعالیت‌ها، درآمد و توانمندسازی و فقرزدایی سازماندهی شد. با توجه به اینکه در روش‌های آماری استنباطی ارزیابی فرضیه‌ها مستلزم انتخاب آزمون مناسب و استنتاج منطقی است، در وهله نخست برای کسب اطمینان از نرمال بودن داده‌ها از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش استفاده شد.

جدول ۲. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معنی - داری	پارامتر توزیع نرمال		مولفه ها
		انحراف معیار	میانگین	
نرمال است	.۰۵۵	.۷۳۰	۳.۰۹۰	اشتغال زایی و تنوع فعالیت
نرمال است	.۰۸۵	.۷۱۸	۳.۰۹۰	درآمد و توانمندسازی
نرمال است	.۲۰۰	.۶۲۲	۳.۰۹۹	فقرزدایی

طبق جدول (۲) با توجه به اینکه سطح معنی داری به دست آمده برای شاخص‌های سه گانه: اشتغال برابر ۰/۰۵۵، درآمد و توانمندسازی برابر ۰/۰۸۵ و فقرزدایی برابر ۰/۲۰۰ بوده و این مقادیر از ۰/۰۵ بزرگ تر می‌باشد، بنابراین توزیع این متغیرها نرمال می‌باشد.



شکل ۳. نمودار سطح معنی داری به دست آمده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف

در گام بعدی، برای ارزیابی میزان اثرگذاری سیاست‌های دولت از طریق ایجاد کسب و کارهای خانگی در توان اقتصاد معیشتی خانوارهای روستایی از آزمون تی تست تک نمونه‌ای استفاده گردید. بدین ترتیب چون توزیع معیارها نرمال بودند، لاجرم آزمون روی تک تک گویه‌های پرسشنامه انجام گرفت. همچنین جهت تعیین اینکه چه نقطه‌ای به عنوان نقطه مقایسه قرار گیرد، جواب‌های طیف لیکرت را با هم جمع و میانگین آنها (عدد ۳) مبنای محاسبه قرار گرفت. بنابراین میانگین بزرگتر از ۳ به عنوان ادعا و میانگین کوچکتر یا مساوی ۳ به عنوان فرض صفر طبق رابطه زیر در نظر گرفته شد:

$$\begin{cases} H_0 : \mu = 3 \\ H_1 : \mu \neq 3 \end{cases}$$

جدول ۳. خروجی آزمون t-test برای بررسی اثرگذاری سیاست‌های دولت در توسعه کسب و کارهای خانگی در بهبود توان اقتصاد معیشتی خانوارهای روستایی

Test Value = 3			آماره تی	گویه‌ها
اختلاف میانگین‌ها	سطح معنی داری	درجه آزادی		
.۴۹۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۷,۶۸۱	۱- ایجاد اشتغال در کل اعضای خانوار
.۵۱۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۸,۰۹۸	۲- ایجاد اشتغال برای زنان اعضای خانوار
.۵۵۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۸,۶۳۶	۳- ایجاد اشتغال برای سایر ساکنان روستا
.۷۱۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۱۰,۳۵۵	۴- ایجاد ثبات، پایداری و امنیت شغلی در اعضای خانوار
.۵۹۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۲۳۵	۵- افزایش فرصت‌های شغلی متنوع خانوار
.۶۷۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۱۰,۴۳۰	۶- افزایش دستمزد شاغلین
.۶۲۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۷۴۴	۷- افزایش درآمد سالانه خانوار
.۵۹۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۹۳۴	۸- افزایش پس‌انداز سالانه خانوار
.۵۵۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۷۷۱	۹- افزایش توان رقابت در تولید و عرضه محصولات
.۵۵۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۸,۵۸۱	۱۰- بهبود فروش مستقیم محصولات تولیدی خانوار در بازار و کاهش نقش واسطه‌ها و دلالان
.۶۲۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۸۶۱	۱۱- کاهش نیاز به اخذ وام از بانک‌ها، صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری
.۵۳۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۸,۵۸۱	۱۲- افزایش توانایی در تأمین هزینه‌های خانوار
.۶۷۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۱۰,۳۰۲	۱۳- افزایش قدرت خرید در کالاهای سرمایه‌ای مانند وسایل نقلیه، ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی
.۵۸۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۸,۴۳۲	۱۴- افزایش قدرت خرید زمین زراعی، باغ و یا سرمایه‌گذاری در آنها
.۵۰۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۷,۸۹۱	۱۵- افزایش قدرت خرید و سرمایه‌گذاری در بخش دام، طیور و شیلات و...
.۶۷۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۱۱,۲۸۸	۱۶- افزایش قدرت خرید و سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات مانند خانه، مغازه
.۵۵۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۲۹۰	۱۷- افزایش قدرت خرید مواد غذایی و بهبود تغذیه خانوار
.۵۸۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۶۸۶	۱۸- افزایش توان پرداخت به موقع هزینه‌های آب، برق و...
.۶۴۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۹۰۷	۱۹- افزایش قدرت خرید در تأمین سایر کالاهای مصرفی ماهانه خانوار
.۵۶۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۸,۸۵۲	۲۰- افزایش قدرت خرید به موقع نهاده‌های زراعی، باغی، دامی خانوار
.۵۴۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۳۰۳	۲۱- افزایش قدرت خرید در تهیه‌ی کالاهای اساسی زندگی مانند یخچال، تلویزیون و...
.۶۱۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۵۷۴	۲۲- بهبود استقلال مالی خانوار
.۶۳۰	<۰.۰۱	۱۹۹	۱۰,۵۹۹	۲۳- افزایش توان پرداخت به موقع مالیات خانوار
.۶۳۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۱۰,۳۶۶	۲۴- بهبود امکان بیمه محصولات کشاورزی و دامی خانوار
.۶۳۵	<۰.۰۱	۱۹۹	۹,۴۰۷	۲۵- بهبود بیمه شغلی و بازنشستگی

از آنجایی که بر اساس آزمون تی تک نمونه‌ای (جدول ۳)، سطح معنی‌داری به دست آمده برای همه مؤلفه‌ها اعم از اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی (سؤالات ۱ تا ۶)، درآمد و توانمندسازی (سؤالات ۶ تا ۱۶) و فقرزدایی (سؤالات ۱۷ تا ۲۵) کوچکتر از ۰,۰۵ بوده که همه آن‌ها با میانگین جامعه اختلاف داشته و نیز

اختلاف میانگین همه آنها مثبت می‌باشد، در نتیجه می‌توان همه آنها را جز عوامل تاثیرگذار بر بهبود توان اقتصاد معیشتی خانوارهای روستایی دانست.

درگام سوم، برای تأیید نتایج آزمون تی و کسب اطمینان بیشتر، از روش آزمون "تحلیل عاملی" استفاده گردید تا بتوان از طریق برازش مدل ساختاری تأثیر همه مؤلفه‌ها را بر بهبود توان معیشت خانوارها مورد ارزیابی قرارداد. برای آزمون نرمال بودن متغیرها که پیش فرض برازش مدل معادلات ساختاری است، از روش پیشنهادی ماردیا (Mardia's normalized estimate) بهره بردیم. در این روش شاخص کشیدگی چند متغیره و نسبت بحرانی شاخص تصمیم‌گیری می‌باشد. طبق نظر بنتلر (۲۰۰۵)، چنانچه مقادیر نسبت بحرانی بزرگتر از ۵ باشد عملاً بیانگر داده‌هایی هستند که بطور غیرنرمال توزیع شده‌اند. بنابراین با توجه به اینکه طبق (جدول ۴) نسبت بحرانی برابر ۰/۷۹۰ بدست آمده و این عدد کمتر از ۵ می‌باشد، نرمال بودن چندمتغیره متغیرها تأیید می‌شود (فربد، ۱۳۹۷: ۱۰۷ به نقل از بنتلر، ۲۰۰۵).

جدول ۴. آزمون ماردیا نرمال چندمتغیره سازه‌های پژوهش

گویه ها	کمترین	بیشترین	چولگی	نسبت بحرانی	کشیدگی	نسبت بحرانی
q1	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۶۱	۰,۳۵۱	-۰,۲۵	-۰,۷۳
q2	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۲۹	-۰,۱۷۰	-۸۳۰	-۲,۳۹۷
q3	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۵۳	۰,۳۰۴	-۵۷۱	-۱,۶۴۷
q4	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۵۱	-۰,۲۹۳	-۴۱۲	-۱,۱۸۸
q5	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۱۳۲	۰,۷۵۹	-۴۹۰	-۱,۴۱۳
q6	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۵۹	-۰,۳۳۹	-۵۷۳	-۱,۶۵۳
q7	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۳۰	-۰,۱۷۴	-۲۵۶	-۰,۷۴۰
q8	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۶۸	-۰,۳۹۵	-۳۸۱	-۱,۱۰۰
q9	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۲۵۱	۱,۴۴۷	-۰,۷۶	-۰,۲۲۰
q10	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۲۶۷	۱,۵۵۴	-۶۸۳	-۱,۹۷۲
q11	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۷۹	-۰,۴۵۸	-۴۸۳	-۱,۳۹۵
q12	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۱۶۹	۰,۹۷۵	-۳۵۸	-۱,۰۳۳
q13	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۱۱	-۰,۰۶۵	-۵۹۸	-۱,۷۲۶
q14	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۲۴۶	۱,۴۱۸	-۵۷۴	-۱,۶۵۸
q15	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۵۱	-۰,۲۹۲	-۴۱۷	-۱,۲۰۴
q16	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۱۸۳	۱,۰۵۸	-۲۰۴	-۰,۵۸۸
q17	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۰۹	۰,۰۵۲	۱,۴۲	۰,۴۰۹
q18	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۲۴۶	۱,۴۲۰	-۷۹۱	-۲,۲۸۲
q19	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۳۸	۰,۲۱۷	-۳۶۶	-۱,۰۵۸
q20	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۱۱۹	۰,۶۸۵	-۱۸۳	-۰,۵۲۸
q21	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۳۹۵	۲,۲۷۸	۰,۲۷	۰,۱۰۷
q22	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۴۶۵	-۲,۶۸۷	-۰,۱۳۵	-۰,۳۹۰
q23	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۳۵۰	-۲,۰۲۱	-۰,۱۵	-۰,۰۴۳
q24	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	-۰,۱۷۰	-۰,۹۸۳	-۳۷۸	-۱,۰۹۰
q25	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۱۸۰	۱,۰۳۸	-۵۶۶	-۱,۶۳۳
نرمال چندمتغیره					۴,۱۰۷	۰,۷۹۰

در گام چهارم، برای تعیین این که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری شده‌اند یا خیر؟ برازش مدل اندازه‌گیری انجام گرفت. بدین منظور اعتبار سازه* مدل مورد بررسی قرار گرفت که برای سنجش آن از دو معیار اعتبار همگرایی[†] و اعتبار افتراقی[‡] استفاده می‌شود. هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه‌گیری شوند، همبستگی بین این اندازه‌گیری‌ها، دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصه واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگرا می‌باشد. وجود این همبستگی برای اطمینان از این که آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، چنانچه همبستگی بین آزمون‌هایی که خصیصه‌های متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کند پایین باشد، آزمون‌ها دارای اعتبار تشخیصی یا واگرا است. میانگین واریانس استخراج شده یا AVE باید بیشتر از ۰/۷ باشد. همچنین همان گونه که در جدول (۵) نیز ملاحظه می‌گردد، بارهای عاملی (برآورد غیراستاندارد) تمامی ابعاد متغیرها نیز بالاتر از ۰/۴ است که نشان می‌دهد ابزار تحقیق حاضر از روش تحلیل عاملی تأییدی نیز دارای روایی مطلوبی است و تمامی ابعاد به خوبی سازه‌های خود را تبیین کرده‌اند. ضریب پایایی مرکب (CR) بالاتر از ۰/۵ است (بایرنی، ۲۰۱۰: ۳۱). جدول (۵) نتایج روایی همگرا را برای ابعاد پرسشنامه نشان می‌دهد (فربد، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

جدول ۵. نتایج روایی همگرا ابعاد پرسشنامه (الگوریتم مدل اندازه‌گیری)

گویه	عوامل (مولفه‌ها)	برآورد غیراستاندارد	انحراف استاندارد	قدرمطلق آماره تی	سطح معنی داری
q1	اشتغالزایی و تنوع بخشی	۱,۰۰۰	-	-	-
q2	اشتغالزایی و تنوع بخشی	۱,۰۶۲	۰,۸۲	۱۲,۹۷۹	***
q3	اشتغالزایی و تنوع بخشی	۰,۹۲۰	۰,۸۶	۱۰,۷۰۸	***
q4	اشتغالزایی و تنوع بخشی	۰,۹۹۹	۰,۹۲	۱۰,۸۴۹	***
q5	اشتغالزایی و تنوع بخشی	۰,۸۴۴	۰,۸۷	۹,۶۴۶	***
q6	اشتغالزایی و تنوع بخشی	۱,۰۰۴	۰,۸۴	۱۱,۹۳۸	***
q7	درآمد و توانمند سازی	۲,۳۳۵	۰,۵۴۷	۴,۲۶۵	***
q8	درآمد و توانمند سازی	۲,۲۵۹	۰,۵۳۳	۴,۲۳۶	***
q9	درآمد و توانمند سازی	۲,۶۲۷	۰,۶۱۳	۴,۲۸۴	***
q10	درآمد و توانمند سازی	۲,۴۱۰	۰,۵۶۹	۴,۲۳۷	***
q11	درآمد و توانمند سازی	۲,۲۴۷	۰,۵۲۹	۴,۲۴۷	***
q12	درآمد و توانمند سازی	۲,۶۲۸	۰,۶۱۲	۴,۲۹۲	***
q13	درآمد و توانمند سازی	۰,۹۱۶	۰,۲۹۰	۳,۱۶۵	۰,۰۲
q14	درآمد و توانمند سازی	۱,۰۰۲	۰,۳۰۷	۳,۲۶۳	۰,۰۱
q15	درآمد و توانمند سازی	۱,۰۰۰	-	-	-
q16	فقرزدایی	۱,۰۳۷	۰,۸۳	۱۲,۴۸۰	***
q17	فقرزدایی	۰,۹۹۳	۰,۷۷	۱۲,۹۲۱	***
q18	فقرزدایی	۰,۹۰۰	۰,۷۵	۱۲,۰۲۴	***
q19	فقرزدایی	۱,۰۸۳	۰,۸۳	۱۳,۱۰۵	***

* Construct Validity

† Convergent Validity

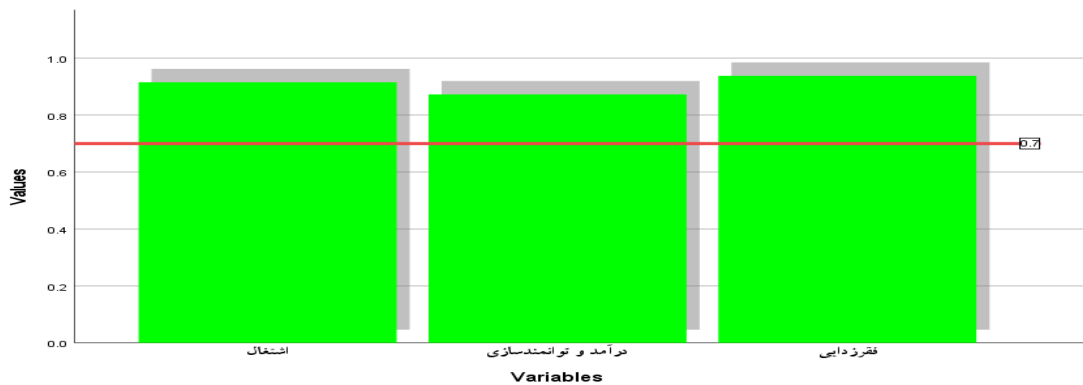
‡ Discriminant Validity

***	۱۲,۱۸۳	.۰۸۳	۱,۰۱۵	فقرزدایی	q20
***	۱۲,۸۱۵	.۰۸۰	۱,۰۲۶	فقرزدایی	q21
***	۱۲,۸۷۲	.۰۸۵	۱,۰۹۲	فقرزدایی	q22
***	۱۲,۷۶۶	.۰۹۰	۱,۱۵۰	فقرزدایی	q23
***	۱۳,۱۹۵	.۰۸۲	۱,۰۸۶	فقرزدایی	q24
			۱,۰۰۰	فقرزدایی	q25

جدول ۶. شاخص‌های پایایی مدل (گویه‌ها)

گویه‌ها	میانگین اندازه گیری در صورت حذف گویه	واریانس اندازه گیری در صورت حذف گویه	آلفای کرونباخ
q1	۷۴,۳۵	۲۴۲,۸۸۰	.۹۶۲
q2	۷۴,۳۲	۲۴۱,۹۳۷	.۹۶۱
q3	۷۴,۲۸	۲۴۴,۵۱۴	.۹۶۲
q4	۷۴,۱۲	۲۴۲,۵۳۸	.۹۶۲
q5	۷۰,۲۴	۲۴۶,۶۸۶	.۹۶۳
q6	۷۴,۱۷	۲۴۲,۴۳۰	.۹۶۱
q7	۷۴,۲۲	۲۴۲,۸۷۳	.۹۶۲
q8	۷۴,۲۵	۲۴۳,۷۴۴	.۹۶۱
q9	۷۴,۲۸	۲۴۵,۳۹۹	.۹۶۲
q10	۷۴,۲۹	۲۴۱,۹۹۴	.۹۶۱
q11	۷۴,۲۱	۲۴۳,۲۱۲	.۹۶۲
q12	۷۴,۳۱	۲۴۳,۰۹۷	.۹۶۱
q13	۷۴,۱۶	۲۴۱,۷۰۳	.۹۶۱
q14	۷۴,۲۵	۲۴۰,۱۴۸	.۹۶۱
q15	۷۴,۳۳	۲۴۱,۸۶۰	.۹۶۱
q16	۷۴,۱۷	۲۴۳,۷۶۷	.۹۶۱
q17	۷۴,۲۹	۲۴۳,۹۰۳	.۹۶۱
q18	۷۴,۲۶	۲۴۴,۳۵۲	.۹۶۲
q19	۷۴,۲۰	۲۴۱,۳۰۳	.۹۶۱
q20	۷۴,۲۷	۲۴۲,۵۱۰	.۹۶۱
q21	۷۴,۲۹	۲۴۴,۲۶۷	.۹۶۱
q22	۷۴,۲۳	۲۴۱,۱۸۰	.۹۶۱
q23	۷۴,۲۱	۲۵۴,۷۱۷	.۹۶۵
q24	۷۴,۲۰	۲۵۳,۹۴۰	.۹۶۵
q25	۷۴,۲۰	۲۵۳,۶۳۸	.۹۶۵

همان‌گونه در شکل (۴) مشاهده می‌شود، با توجه به اینکه آلفای کرونباخ ترکیبی (جدول ۶) برای تمامی متغیرهای پژوهش بترتیب بالاتر از ۰/۷ است، لذا می‌توان بیان نمود ابزار تحقیق از پایایی و روایی همگرای قابل قبولی برخوردار است. زیرا همه گویه‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار می‌باشند و دلیل معناداری گویه‌ها ناشی از بالاتر بودن عدد معناداری از $\pm 1/96$ است. بنابراین با توجه به مقادیر به دست آمده می‌توان گفت که اعتبار همگرایی ابزار سنجش تأیید می‌شود.



شکل ۴. نمودار آلفای کرونباخ ترکیبی متغیرهای تحقیق

حال به منظور شناسایی و جمع‌بندی روابط بین متغیرها، از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل-عاملی اثرات اقتصادی (KMO=0.76) مناسب و آزمون بارتلت در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد (جدول ۷).

جدول ۷. مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت اثرات اقتصادی کسب و کارهای خانگی

اثرات اقتصادی بر پایداری معیشت خانوار	KMO	آزمون بارتلت	سطح معنی داری
	۰,۷۶	۴۳۲/۶۵۲	۰/۰۰۰

براساس تحلیل‌های عاملی و ملاک کایسر-مه-یر-اولیکن (KMO) و چرخش تعاملی سه عامل دارای مقادیر ویژه بالای یک در رابطه ظرفیت‌های اقتصادی کسب و کارهای خانگی مشخص شد که از مجموع ۲۵ سوال اقتصادی و بر مبنای مقادیر ویژه و درصد واریانس‌های تبیین شده اثرات اقتصادی توسعه کسب و کارهای خانگی در سه دسته کلی عامل کلیدی شامل اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی با مقدار ویژه (۲,۷۴۳)، راهکارهای درآمد و توانمندسازی با مقدار ویژه (۱,۱۹۲) و فقرزدایی با مقدار ویژه (۱,۰۴۶) در جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی کسب و کارهای خانگی شناخته شده است (جدول ۸).

جدول ۸. تعداد عامل‌های استخراج شده اقتصادی همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی

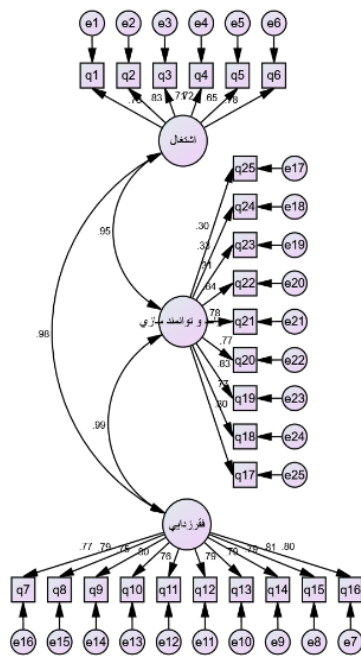
عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
اشتغال‌زایی و تنوع بخشی	۲,۷۴۳	۳۱,۵۰۹	۳۱,۵۰۹
درآمد و توانمندسازی	۱,۱۹۲	۱۳,۲۶۳	۴۴,۷۷۲
فقرزدایی	۱,۰۴۶	۱۱,۴۲۹	۵۶,۲۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

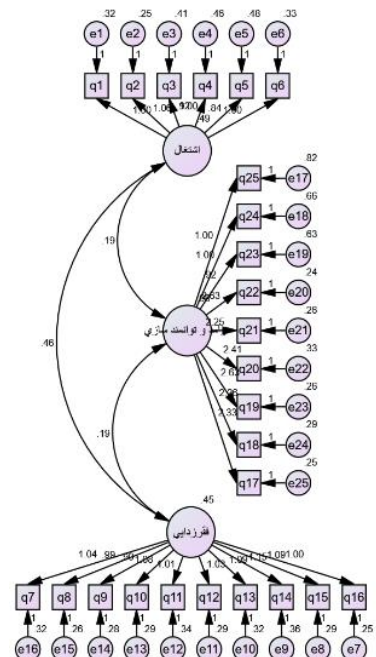
براساس نتایج به دست آمده، در جدول (۸) بیشترین مقدار ویژه مربوط به اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی فعالیت‌ها (۲,۷۴۳) است که ۳۱,۵۰۹ درصد از واریانس اثرات اقتصادی کسب و کارهای خانگی را برای

خانوارهای روستایی تبیین می‌کند. پس از آن، به ترتیب عامل درآمد و توانمندسازی (۱،۱۹۲) و عامل فقرزدایی (۱،۰۴۶) در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

در گام آخر، مدل تحلیل عاملی تحقیق یک سازه ۳ عاملی به صورت مدل شکل (۵ و ۶) می‌باشد که شاخص‌های برازش مدل مطابق جدول (۹) روایی مدل را تأیید کرده‌اند.



شکل ۶. برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول ضرایب استاندارد



شکل ۵. برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول ضرایب غیر استاندارد

پس از برازش مدل شاخص‌های روایی مدل در جدول زیر خلاصه شده است (فرید، ۱۳۹۸)

جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل مفهومی تحلیل عاملی تأییدی

مقدار بدست آمده	حد مجاز	نام شاخص
۲،۶۰۱	کمتر از ۳	کای دو بر درجه آزادی
۰،۷۸۹	بین ۰،۵ تا ۱	GFI* (نیکویی برازش)
۰،۰۷۰	کمتر از ۰،۰۹	RMSEA [†] (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)
۰،۹۸۵	بالاتر از ۰/۹	CFI [‡] (شاخص برازش مقایسه‌ای - تعدیل یافته)

با توجه به جدول (۹)، همه مقادیر به دست آمده برای شاخص‌های کای دو بر درجه آزادی، GFI، RMSEA، CFI در محدوده تعریف شده می‌باشند. بنابراین چنین نتیجه می‌شود که روایی مدل مورد

* - Goodness of Fit Index (GFI)

† - Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

‡ - Comparative Fit Index (CFI)

تأیید می‌باشد. شکل (۵) برازش مدل مفهومی را نشان می‌دهد که در آن برآورد ضرایب استاندارد مدل ذکر شده‌اند. منظور از مدل استاندارد مدلی است که در آن ضرایب مسیر یا بار عاملی کمتر از ۱ می‌باشند. در واقع مدل تحلیل عاملی تحقیق یک سازه ۳ عاملی به صورت مدل شکل (۵) می‌باشد که شاخص‌های برازش مدل مطابق جدول (۷) روایی مدل را تأیید کرده‌اند. و شکل (۶) برازش مدل را نشان می‌دهد که در آن برآورد ضرایب غیر استاندارد مدل ذکر شده‌اند.

۵) نتیجه‌گیری

واکاوی متون برنامه توسعه کشورمان حاکی از آن است که طی دو دهه اخیر به سمت نظریه توسعه پایدار جهت‌گیری داشته و در این چارچوب دولت برای مقابله با معضلات جامعه روستایی طرح‌های زیادی را به اجرا در آورده است. طرح ساماندهی مشاغل خانگی از جمله آنهاست که از سال ۱۳۸۹ در راستای اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی فعالیت‌ها، درآمدزایی و توانمندسازی و فقرزدایی از جامعه روستایی در حال اجراست. با توجه به ماهیت کسب و کارهای خانگی که با معیشت خانوارها درهم تنیدگی خاصی دارد، این پژوهش با هدف بررسی نقش ایجاد آنها بر پایداری معیشت خانوارها در بین ۲۰۰ خانوار استان ایلام به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفت. این مقاله از بین ابعاد چهارگانه متعارف نظریه توسعه پایدار صرفاً به بعد "اقتصادی" آن تأکید داشته و بدنبال بررسی اثربخشی آن در سه زمینه: اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و توانمندسازی و فقرزدایی بر پایداری معیشت خانوارهای روستایی بود. نتایج بدست آمده از داده‌های کمی و کیفی با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی به تفکیک ذیل جمع بندی گردید:

الف-توصیفی: طور کلی بررسی وضعیت اشتغال و گونه‌شناسی فعالیت در جامعه نمونه نشان داد که شاخص نرخ فعالیت ۳۹/۷ درصد، نرخ اشتغال ۷۶/۷ درصد، نرخ بیکاری ۲۳/۲ درصد و سرانه سرباری خانوار بطور متوسط ۳/۳ نفر می‌باشد. گرچه بالا بودن دو شاخص نرخ بیکاری و سرباری خانوارها دال بر ضعف وضعیت اقتصادی آنها است، اما نکته درخور توجه اینکه اولاً، از مجموع شاغلان جامعه نمونه ۴۴ درصد آنها در مشاغل جدید ناشی از ایجاد کسب و کار خانگی فعالند که ۷۱/۱ درصد آنها به زنان جامعه تعلق دارد. این امر بیانگر موفقیت مجریان طرح مورد مطالعه از حیث اشتغال‌زایی به ویژه بکارگیری زنان می‌باشد. ثانیاً، از نظر نوع فعالیت قریب به نیمی از شاغلان (۴۸/۹ درصد) در بخش کشاورزی، ۳۰/۳ درصد در بخش صنعت و ساختمان و ۲۰/۸ درصد نیز در بخش خدمات فعالند. اما مقایسه انواع فعالیت واحدهای راه اندازی شده از محل طرح ساماندهی مشاغل خانگی با شاخص‌های فوق نشان داد ۵۹/۵ درصد آنها به بخش صنعت و ۳۷ درصد به بخش کشاورزی و تنها ۳/۵ درصد به بخش خدمات مربوط می‌باشد. بنابراین، با توجه به هماهنگی این تغییرات با سیاست‌های راهبرد معیشت. می‌توان در مجموع عملکرد طرح مذکور را از منظر اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های خانوارهای مورد مطالعه موفق ارزیابی نمود.

از نظر درآمد و توانمندسازی بررسی شاخص برخورداری خانوارهای نمونه از منابع مختلف ارضی، دامی (به عنوان شالوده اقتصاد روستایی) نشان داد که ۶۵ درصد آنها برخوردار بوده‌اند. همچنین بررسی

شاخص درآمد ناخالص ماهانه خانوار در سال ۱۳۹۹ نشان داد که میانگین آن در بین زمین‌داران ۹۲ میلیون، دامداران ۹۶/۲ میلیون، کارمندان ۴۹ میلیون، مغازه‌داران ۳۰/۸ میلیون و کارگران ۱۷/۶ میلیون ریال می‌باشد. سوای از دو شاخص فوق‌الذکر، مقایسه میزان سرمایه‌گذاری (آورده شخصی و وام دریافتی) جهت راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی نشان داد که قریب به نیمی از جامعه نمونه فاقد آورده شخصی بوده، بعلاوه بالغ بر ۸۷ درصد دریافت‌کنندگان تسهیلات نیز مبالغی کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال گرفته‌اند. بنابراین، اینکه اولاً، حدود ۳۵ درصد خانوارهای نمونه فاقد منابع ارضی و دامی هستند، ثانیاً، اختلاف میانگین درآمد خانوارها بین اقشار مختلف روستایی ۶/۷۸ میلیون ریال می‌باشد ثالثاً، اینکه قریب به نیمی از جامعه نمونه فاقد توان تأمین آورده شخصی برای سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای خانگی بوده-اند، همگی مبین توزیع نامتوازن منابع، درآمد و توان سرمایه‌گذاری است که دال بر ضعف بنیان‌های اقتصادی و عدم مطلوبیت معیشت این گروه می‌باشد.

ارزیابی شاخص فقر نشان داد که دست‌اندرکاران طرح مورد نظر از آن غافل بوده‌اند. زیرا برمبنای معیارهای مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹ از نظر میانگین درآمد سالانه ۳/۳۰ درصد جامعه نمونه کاملاً زیر خط فقر و همه آنها زیر خط فقر نسبی قرار دارند. همچنین اینکه ۵/۶۴ درصد جامعه برای سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای خود قادر به تأمین سهم آورده شخصی نبوده و نیز اینکه میزان اعتبارات دریافتی ۸۷ درصد آنها از منابع دولتی کمتر از ۲۰۰ میلیون ریال می‌باشد، دال بر ساختار ناتوان و فقر مالی اکثریت جامعه مورد مطالعه است.

ب- **تحلیلی:** ارزیابی میزان اثربخشی ایجاد کسب و کارهای خانگی از نظر جامعه مورد مطالعه که با استفاده از ۲۵ سؤال حاوی متغیرهای کیفی انجام گرفت، نشان داد که: اولاً، سطح معنی‌داری آزمون تی تک نمونه‌ای برای همه مؤلفه‌ها اعم از اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی، درآمد و توانمندسازی و فقرزدایی کوچکتر از ۰,۰۵ بوده و اختلاف میانگین همه آنها مثبت می‌باشد. در نتیجه می‌توان همه آنها را جز عوامل تأثیرگذار بر بهبود توان اقتصاد معیشتی خانوارهای روستایی دانست. ثانیاً، برای اطمینان از نتایج آزمون تی از روش آزمون "تحلیل عاملی" (روش پیشنهادی ماردیا) استفاده گردید که میزان نرمال بودن داده‌های چند متغیره را از طریق سنجش مقدار "نسبت بحرانی" مشخص می‌سازد. باتوجه به اینکه در آزمون مذکور مقدار نسبت بحرانی ۲۵ سؤال مطروحه برابر ۰/۷۹۰ بدست آمده و این عدد کمتر از ۵ می‌باشد، مؤید نرمال بودن چند متغیره‌ها است. ثالثاً، اعتبارسنجی رابطه مفاهیم نظری با متغیرهای اندازه‌گیری شده نشان داد که میانگین واریانس (AVE) بیشتر از ۰/۷ بوده و همچنین بارهای عاملی (برآورد غیراستاندارد) تمامی ابعاد متغیره‌ها نیز بالاتر از ۰/۴ است. این امر مبین آنست که ابزار تحقیق حاضر طبق روش تحلیل عاملی تأییدی نیز دارای روایی مطلوبی است. رابعاً، محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی اثرات اقتصادی ($KMO=0.76$) مناسب و آزمون بارتلت در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. براساس نتایج به دست آمده، عامل اشتغال‌زایی و تنوع‌بخشی فعالیت‌ها با مقدار ویژه ۲,۷۴۳ و درصد واریانس ۳۱/۵۰۹، درآمد و توانمندسازی با مقدار ویژه ۱/۱۹۲ و درصد واریانس ۱۳/۲۶۳ و فقرزدایی با مقدار ۱/۰۴۶ و درصد واریانس ۱۱/۴۲۹

اثرات اقتصادی کسب و کارهای خانگی را تبیین می‌کند که از نظر اثربخشی به پایداری معیشت خانوارهای روستایی به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند. بنابراین، مقایسه نتایج این داده‌ها کیفی با داده‌های کمی بدست آمده (بند الف) بیانگر تایید یکدیگر و همگرایی آنهاست.

مقایسه نتایج این پژوهش با تحقیقات خارجی از جمله چیلیمو (۲۰۱۱) و گالوای و کاپاسی (۲۰۱۴)، برگفلد (۲۰۱۷) و راتن و همکاران (۲۰۱۷)، نشان داد که تفاوت زیادی با آنها دارد. این امر بیشتر ناشی از تفاوت در نحوه نگرش به مسائل و چالش‌های موضوع کارآفرینی در دنیای غرب می‌باشد. زیرا تحقیقات آنان در زمینه کارآفرینی اولاً، برون‌گرا و با تأکید بر مسائل و موانع ناشی از پدیده جهانی‌سازی مانند بازاریابی، شبکه‌سازی و فرصت‌های آینده‌نگری انجام گرفته و در ثانی مبتنی از حیث سیستم درونی بر خلاقیت مبتکرانه فارغ از ریسک‌پذیری مشاغل خانوادگی معطوف است. در حالیکه تحقیقات داخلی عموماً بر مسائلی مانند اشتغال‌زایی، بیکاری، مهاجرت و فقر تأکید دارند. مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات داخلی از جمله آثار زینتی‌فخرآباد و بکها (۱۳۹۵)، امیدی و چهارسوقی (۱۳۹۷) و قربانی پیرعلیدهی (۱۴۰۰)، نشان داد در زمینه شناسایی موانع و چالش‌های کسب و کارهای خانگی و اثربخشی مثبت اشتغال‌زایی و درآمدزایی نتایج مشابهی دارند، اما در زمینه توانمندسازی و بویژه فقرزدایی تفاوت‌های تأمل برانگیزی دارد که وجه تفاوت این تحقیق به شمار می‌رود.

با توجه به ارزیابی و نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر که در سه زمینه مختلف اقتصادی انجام گرفت، پیشنهادات زیر در جهت اصلاح فرایند اجرای طرح ساماندهی مشاغل خانگی ارائه می‌گردد:

- اولویت دادن به بیکاران روستایی در قالب کارگاه‌های خودکارفرمایی از طریق اعطای مستقیم تسهیلات؛
- شناسایی خانوارهای فقیر از طریق طبقه‌بندی جامعه روستایی بر اساس منابع تولیدی و در آمد و اعطای تسهیلات بیشتر، با بهره کمتر و دوره باز پرداخت طولانی‌تر برای فقرا؛ و
- آموزش جامعه هدف طرح، به منظور ساماندهی بازاریابی مواد اولیه و کالاهای تولیدی از طریق شبکه‌سازی.

۶ منابع

- ابراهیمی‌سالاری، تقی و سید محمد سیدحسینی، (۱۳۹۱)، بررسی نقش کسب و کارهای خانگی در توسعه اشتغال و حمایت از تولید ملی مبتنی بر توصیه‌های اسلام، همایش ملی جهاد اقتصادی، بابلسر، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، صص ۲۷-۱.
- امیدی، سجاد و امین چهارسوقی، (۱۳۹۷)، نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره اول (پیاپی ۲۳)، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۸۲-۱۶۷.
- ایزدی، بنت الهدی، کوروش رضائی مقدم و علی اسداله پور، (۱۳۹۴)، سازه‌های مؤثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۲، شماره ۱، صص ۵۱-۳۹.
- درخشنده، سیدمحمد، (۱۳۹۰)، ایل من ایلام (بررسی جامع تاریخ، جغرافیا، تمدن و فرهنگ استان ایلام)، انتشارات زانا، تهران.

- زینتی فخرآباد، حسین و فاطمه بکها، (۱۳۹۵)، بررسی ظرفیت‌های توسعه کسب و کار خانگی در فرایند توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان کرج)، مجله ایده‌های نو در علوم و فناوری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۶-۳۸.
- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۸)، سند برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پیوست ۲ لایحه برنامه، جلد دوم، ناشر سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه کشور، (۱۳۹۶)، قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ناشر سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۸۵)، مجموعه اسناد ملی توسعه، اسناد توسعه فرا بخشی، جلد دوم، ناشر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپ اول، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۹۷)، برنامه آمایش سرزمین استان ایلام، بخش اول: تحلیل وضعیت و ساختار، عنوان گزارش: تحلیل اقتصادی - تحلیل زمینه‌های اقتصادی بر حسب بخش‌های اصلی، مهندسین مشاور شرق آیند، ویرایش سوم.
- سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۸۹)، <https://www.mcls.gov.ir>.
- فرید، ابراهیم، (۱۳۹۷)، تحلیل معادلات ساختاری در داده‌های پرسشنامه‌ای به کمک AMOS 24، انتشارات عابد، چاپ سوم.
- فرید، ابراهیم، (۱۳۹۸)، مدل‌سازی معادلات ساختاری در داده‌های پرسشنامه‌ای به کمک AMOS24، انتشارات مهرگان قلم.
- قربانی پیرعلیدهی، فاطمه، (۱۴۰۰)، موانع توسعه کسب و کارهای خانگی زنان در مناطق روستایی (مورد واکاوی؛ شهرستان رضوانشهر استان گیلان)، مجله مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، سال اول، شماره سوم، صص ۲۶-۵.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، سالنامه آماری استان ایلام.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت و راهبردی رئیس جمهور، (۱۳۸۹)، ناشر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول، تهران.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۸۹)، دستورالعمل اجرایی قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، دبیرخانه ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، <https://www.mcls.gov.ir>.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۸۹)، قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی
- هال، آنتونی و جیمز میچی، (۱۳۸۸)، سیاست اجتماعی و توسعه، مترجمان؛ مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران
- Bergfeld, M., 2017, **An Exploratory Approach to the Internationalization of German Family Firms to Latin America: Current Situation and Future Opportunities.**
- Chambers, R., & Conway, G.R., 1992, **Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21st Century**, (No. IDS Discussion paper 296). Brighton: IDS.
- CHF., 2005, **Sustainable Livelihoods Approach Guidelines, Partners in Rural Organizations**, London, Earth scan.
- Chilimo, W.L.N gulube., P, 2011, **Role of Information and Communication Technilgies in Sustainable Livelihoods in Selected Rural Areas of Tanzania.**
- De Haas, Hein., 2007, **Remittances,migration and social development. A conceptual review of the literature ,social policy and development programmed .**paper Number 37.

- DFID, 1997, **Eliminating World Poverty; A Challenge for the 21st Century**. London; Department for International Development.
- D' Hease, L., & Kirsten, J., 2003, **Rural Development: Focusing on Small Scale Agriculture in Southern Africa**. Pretoria: Universities of Ghent & Antwerp and University of Pretoria.
- Ellis, F., 2000, " **The determinants of rural livelihood diversification in developing countries**". Journal of Agricultural Economics, 51(2): pp289-302.
- Farrington, j., and Carney, D., and Ashley, C., and Turton, C., 1999, **sustainable livelihoods in practice; Early Applications of Concepts in Rural Areas**, Natural Resource Perspectives, 42, June. London; Overseas Development Institute (ODI).
- Galloway, L., and Kapasi, I., 2014, **Rural home – based businesses and their contribution to rural lives: An exploratory study** . Research Report , Heriot.
- Gibson, j., Olivia, S., 2009, **The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia**. Proceeding of International Association of Agricultural Economists Conference, Beijing, China, 16-22 August, pp. 1-23.
- Horgan , M., 2001, Policy, regulations and approaches to home-based . **The Review of Economics and Statistics**, 162(46), pp.117-120.
- Ratten, V., Dana, L.P. and Ramadani, V., ۲۰۱۷, **Internationalisation of family business groups in transition economies**, International Journal of Entrepreneurship and Small, Business Vol. 30 No. 4.
- Serrat, O., 2008, " **The Sustainable Livelihoods Approach**" , Manila: ADB.
- Scoones, I., (1998), " **Sustainable rural livelihoods: a framework for analysis**, working paper 72, Brighton , Institute for Development Studies.